



علی موسیوند

## نقدی بر مقاله‌ی «گشت و گذاری در روستاهای نهاوند»

### اشاره

مجله‌ی فرهنگیان مفتخر است که برای همشهریان عزیز و فرهیخته فضایی را به وجود آورده که در کمال دقت و با احساس مسئولیت و تعهد نسبت به زادگاه خود مطلب می‌نویسند.

بدیهی‌ست چنانچه مطالب دیگری، در تکمیل یا نقد و بررسی دریافت شود، فرهنگیان، جهت اطلاع خوانندگان و پژوهشگران عزیز آن را نیز درج خواهد کرد. در نتیجه آنچه از این تضارب آرا به دست می‌آید، مطالب متقن و منقحی خواهد بود که برای خوانندگان محترم اطمینان خاطر بیشتری به وجود می‌آورد.

انتظار داریم همشهریان عزیز و خوانندگان محترم در خصوص دیگر مطالب مندرج در این مجله نیز دیدگاه‌های خود را ارسال نمایند تا در شماره‌های بعدی به اطلاع همگان رسانده شود.

«فرهنگیان»

یکی از راه‌های شناخت و آشنایی با مسائل مختلف جامعه و آگاهی از سیر تحولات سیاسی و اجتماعی و ... مطالعه‌ی تذکره‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها و نیز گزارش‌های تهیه شده از دیده‌ها و شنیده‌هاست. به‌ویژه گفت‌گو با افرادی که سن و سال بیشتری دارند و یا به قول معروف چهار پیراهن بیشتر پاره کرده‌اند و فراز و فرود تاریخی را بیشتر تجربه نموده‌اند.

برای نمونه مقاله‌ای که در شماره‌ی ۴۱ فصل‌نامه‌ی فرهنگان تحت عنوان «گشت و گذاری در روستاهای نهاوند» توسط همشهری و فرهیخته‌ی محترم جناب آقای زهره‌وند به رشته‌ی تحریر درآمد برایم جذاب بود مدت‌ها فکر بنده را نیز مشغول کرد و با توجه به رسالت فصل‌نامه در شناساندن موضوعات فرهنگی، آموزشی و ... به همشهریان طرح چنین مطالبی مفید خواهد بود.

ضمن تشکر از این دوست عزیز، به نظر این جانب، چند مورد از این گزارش در خصوص منطقه‌ی خزل و شهر فیروزان جای بازبینی و اصلاح دارد که ذیلاً به اطلاع ایشان و سایر عزیزان می‌رسانم:

- مطالبی که ایشان در برخی از موارد ذکر نموده‌اند به نظر می‌رسد از برخی منابع نیز استفاده کرده‌اند که باید شیوه‌ی علمی را رعایت می‌کردند و در پایان صفحه یا انتهای مقاله به معرفی منبع مورد نظر می‌پرداختند.

- مراسم نذر، که در خصوص روستای «بره‌فراخ» به آن اشاره نمودند نمادی از جشن‌های علی‌اللهی هاست<sup>۱</sup> که در برخی از روستاهای این منطقه نیز در گذشته

<sup>۱</sup> - علی‌اللهی کیست؟

در طول تاریخ انسان با فرقه‌هایی مواجه می‌شود که مخالفینشان آن‌ها را غلات (جمع غالی به معنی غلو کننده) می‌نامند. این‌ها کسانی هستند که درباره‌ی حضرت علی (علیه السلام) و یا دیگر شخصیت‌های مهم دچار غلو شده‌اند. شناخت و تشخیص غلات در تاریخ، یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین کارهای مورخان

بوده است و احیاناً در این زمینه دچار اشتباهات فراوانی نیز شده‌اند. دلیلش این است که هیچ شخصی یا گروهی، عنوان غلات را برای خود نمی‌پذیرد و هیچ کس عقیده‌ی خود را غلو آمیز نمی‌داند. علاوه‌براین همواره اندیشه‌های خود را تا حد امکان به صورت سرّی نگه می‌داشتند که خود این امر هم مانعی برای تحقیق دقیق در مورد آن‌ها بوده‌است.

همچنین باید گفت: امروز آشکار شده است، بسیاری از اسم‌هایی که از آن‌ها تحت عنوان رهبران غلات یاد می‌شود، اصلاً وجود خارجی نداشته‌اند و عمدتاً دشمنان شیعه برای محکوم کردن شیعه و اتهام غلو زدن به تشیع، این شخصیت‌ها را ساخته و پرداخته‌اند. اما به هر حال کسانی بوده‌اند که حضرت علی (علیه السلام) یا دیگران را تا حد خدایی بالا می‌بردند. چنین کسانی هنوز هم وجود دارند. علی الهی‌ها نیز جزو همین گروه‌ها هستند.

از مهم‌ترین جماعت‌های این گروه در عصر حاضر، کسانی هستند که در سوریه به علویون معروف‌اند. آن‌ها ظاهراً معتقدند که خدا یک بار در قالب حضرت مسیح (ع) و بار دیگر در قالب حضرت علی (علیه السلام) حلول کرده است و دیگر بار در قالب مهدی (عج) ظهور خواهد کرد.

شیعه کسانی هستند که قائل به امامت حضرت علی (علیه السلام) و جانشینی او پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اند. حال چگونه می‌توان وضع کسانی را که قائل به الوهیت حضرت علی (علیه السلام) (نه امامت وی) هستند، افراط در تشیع نامید؟ در واقع این‌ها عملاً با این طرز تفکر، اعتقاد شیعه، یعنی توحید، نبوت و امامت را انکار می‌کنند. از مهم‌ترین خصوصیات مشترک غلات این است که به ظاهر شریعت واقعی نمی‌نهند، قائل به تناسخ هستند و همچنین معتقدند که خدا در روح شخص مورد نظرشان حلول می‌کند و با او متحد می‌شود.

بسیاری از نویسندگان در مورد این گروه از غلات دچار اشتباه شده و آن‌ها را فرقه‌ای از تشیع معرفی کرده‌اند و گفته‌اند: «غلات، کسانی هستند که در تشیع افراط کرده‌اند». در حالی که این تعبیر افراط در تشیع تعبیر صحیحی نیست و به هیچ وجه نمی‌توان غلات را فرقه‌ای از شیعه دانست:

الف) شیعه کسانی هستند که قائل به امامت حضرت علی (علیه السلام) و جانشینی او پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اند. حال چگونه می‌توان وضع کسانی را که قائل به الوهیت حضرت علی (علیه السلام) (نه امامت وی) هستند افراط در تشیع نامید؟ در واقع این‌ها عملاً با این اعتقادشان، سه اصل از اصول عقاید شیعه، یعنی توحید، نبوت و امامت را انکار می‌کنند.

ب) شیعه پیرو تعالیم اسلام و ائمه‌ی معصوم (علیهم السلام) است. در حالی که غلات بسیاری از تعالیم ائمه (علیهم السلام)، به‌ویژه در مورد توحید را، زیر پا گذاشته‌اند.

برگزار می‌شد و در حال حاضر در چند روستا به صورت محدود به صورت تهیه‌ی غذای نذری و دادن شام یا تقسیم بین همسایگان برگزار می‌شود.

- در خصوص شهر فیروزان به هیچ وجه آمار ارائه شده در خصوص ترکیب جمعیتی آن صحیح نیست. از جمله در این جا به جز چند خانوار، که شاید کمتر از ده درصد باشد، تویسرکانی وجود ندارد. ترکیب این شهر شامل ساکنین اولیه (از زمانی که بخش بوده شاید بتوان گفت چند درصد تویسرکانی بوده‌اند) و نیز مهاجران روستاهای لر و لک زبان است؛ در بین این گروه، اکثریت با لک زبان‌هاست (پایین روستاهای فیروزآباد سفلی، چشمه کبود، گره چقا، گردیان و ...).

- رودخانه‌ی جنب شهر، یا همان رودخانه‌ی قلقل رود مشهور، در حال حاضر ده ماه سال خشک است و کمتر از دو ماه در سال آب دارد. تا جایی که بنده به خاطر هست مطالب نوشته شده در خصوص این رودخانه و سرسبزی پیرامون آن مربوط به چندین سال گذشته است. چون در حال حاضر کمتر درخت و بیشه‌زاری در این حوالی دیده می‌شود.

تا ده سال پیش سراسر این حوزه‌ی رودخانه درخت و باغ داشت، ولی در حال حاضر رودخانه بر اثر حفر چاه‌های عمیق و کمبود بارش و نیز قطع درختان و تبدیل باغات به زمین کشاورزی خشک شده است (بنده چند سال پیش در دوره‌ی دبیرستان

ج) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) احادیث فراوانی در مذمت غلو کنندگان و جهنمی بودن آنان ذکر شده است، به طوری که دشمن اهل بیت و غلو کننده در حق اهل بیت را مثل هم دانسته‌اند و مسلم است کسی که با دشمن اهل بیت هم رتبه است، نمی‌تواند شیعه باشد.

در این خصوص، برای کسب اطلاعات بیشتر، به چند کتاب اشاره می‌شود: ۱. علامه سید مرتضی عسکری: عبدالله سبا، ۲. علی مهدولوی: تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، ۳. عبدالرحمن بدوی، ترجمه‌ی حسین صابری: تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام.

به همراه رفقا چندبار قسمتی از مسیر رودخانه، یعنی از نزدیک شهر فیروزان [فیروزآباد علیای سابق] تا روستای گردیان را به موازات رودخانه طی کرده و مناظر زیبایش را دیده‌ایم اما در این سال‌ها، همان‌گونه که اشاره شد، اصلاً این گونه نیست).

- ایشان پس از شهر فیروزان بدون اشاره به دو روستای مهم و نزدیک شهر یعنی فیروزآباد سُفلا و چشمه کبود (چم کبود) به سراغ روستای تپه یزدان می‌رود. در صورتی که از لحاظ جغرافیایی باید به روستاهای این خط، علاوه بر دو مورد بالا که اصلاً در هیچ جا مورد اشاره واقع نشده است، یعنی به گردیان، چشمه ماهی، قیلاب، خم خسرو نیز اشاره می‌شد.

جهت اطلاع خوانندگان محترم باید اضافه شود شغل اغلب ساکنان این دو روستا (فیروزآباد و چشمه کبود) به سبب داشتن زمین‌های کشاورزی مرغوب، کشاورزیست و در صد قابل توجهی نیز به دلیل داشتن ماشین‌های سنگین، رانندگی‌ست. نیز دو کارخانه‌ی آرد منطقه و تنها استخر شهر متعلق به دو خانواده‌ی این روستاست (البته در حال حاضر این دو خانواده در فیروزان و نهاوند ساکن‌اند). تعداد قابل توجهی از جوانان این دو روستا نیز دارای مدارک دانشگاهی معتبرند و چند نفر نیز در خارج از کشور مشغول تحصیل‌اند. در آینده ان‌شاءالله مقاله‌ی مفصلی در این خصوص ارائه خواهیم نمود.

- ایشان مجدد از روستای کنگاور کهنه به فیروزان بر می‌گردد و به روستای «ده موسی» اشاره می‌کند، در حالی که جنب شهر فیروزان روستای عبدالملکی قرار دارد.

- کاش اسم محلی برخی جاها را که مورد اشاره قرار گرفته‌اند نیز در مقاله می‌آوردند، از جمله طبخال‌خانه یا «طارخانه» در بالای روستای گره چقا، کوه بلوط یا «بلو کو» در بالای روستای زرین باغ و ....
- یکی از موضوعاتی که در چندین مورد، به‌ویژه در خصوص منطقه‌ی خزل، مورد اشاره‌ی نویسنده‌ی محترم قرار گرفته، بحث سرقت اشیای تاریخی و ویران نمودن ابنیه است که به خواننده نسبت به منطقه دید منفی می‌دهد. همان‌گونه که در حال حاضر نیز برخی درباره‌ی این منطقه این‌گونه، یعنی با دید منفی، قضاوت می‌کنند(از همشهریان گرفته تا افراد دیگر....). در صورتی که به نظر بنده این‌گونه نبوده است و این بحث جای تأمل دارد.
- در خصوص تپه‌ی «گاوکش» که ایشان به آن اشاره کرده و آنرا محل کشتار گاو ذکر کرده مفهومی غیر واقعی و انتزاعی است و تفاسیر دیگری نیز در خصوص این کلمه و کلمات مشابه ذکر شده است تا جایی که بنده شنیده و پرس‌وجو نموده‌ام وجود نوعی گیاه در این منطقه و برخی مناطق دیگر از جمله در نزدیکی روستای خود ما(فیروزآباد سُفلی) بوده که باعث تلف شدن حیوان می‌شده است. همان‌طور که برخی جاها نیز به دلیل وجود علف خاص، که باعث تلف شدن بز می‌شده، به «بُز کش» معروف گردیده‌است. یا «لُر کو» که به معنای کوه لاغر در مقابل کوه بزرگ تر به کار برده می‌شود و ... .
- بنده بشخصه چندبار از قنات‌ها و کاریزهای روستاهای کهریز دیدن کرده‌ام. واقعاً شگفت‌انگیز است، زیرا آن‌ها در عمق دو یا چند متری همچنان آب دارند و در حال حاضر نیز به رغم حفر چاه‌های فراوان در این محدوده، باز هم منبع ارزشمندی برای کشاورزان این سه روستا به شمار می‌روند. کاش ایشان اطلاعات

بیشتری از این کهریزها، از بومی‌های قدیمی دریافت و به همراه عکس، ضمیمه‌ی فصل‌نامه می‌کردند.

- روستای زرین‌باغ، بنا بر گفته‌ی ایشان، از فرقه‌ی علی‌اللهی هستند. ولی بنده، با توجه به شناختی که از این روستا و مردم آن دارم، در این روستا برخی از خانوارها در چند روز از سال (زمستان) مراسم جشن و تهیه‌ی نذری دارند ولی همه‌ی آن‌ها پیرو مذهب شیعه‌ی دوازده امامی‌اند و هیچ‌گونه تفاوتی از لحاظ دین با سایر روستاها ندارند. از لحاظ گویش نیز اشاره‌ی نویسنده‌ی گرامی صحیح نیست، چون آن‌ها مانند سایر روستاها به گویش لکی صحبت می‌کنند.

در پایان یک بار دیگر از جناب زهره‌وند بابت مقاله‌ی جالب شان تشکر می‌کنم و بابت نقدها از محضر ایشان معذرت می‌خواهم و امیدوارم توانسته باشم در خصوص این منطقه، اطلاعات بیشتری به همشهریان تقدیم کنم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی